

همه حاشیه‌های یک کارگردان داستانگو

بهرروز افخمی هر کاری را شروع می‌کند با کلی اتفاق همراه است. چرا کسی نمی‌داند؟ او از جمله فیلم‌سازانی است که هم دغدغه فعالیت‌های سیاسی داشته است و هم داستان‌پردازی و دیالوگ‌های شنیدنی از ویژگی‌های کارش است. او با فیلم عروس توانست ستاره‌سازی را در سینمای ایران دوباره آغاز کند. در فیلم‌های او بازیگران برجسته حضور دارند؛ اما گاه حاشیه‌های کارش پرنگ‌تر از اثری می‌شود که روی پرده سینما دیده می‌شود و گاه هم آن فیلم سرانجام رنگ پرده را نمی‌بیند.



پروانه ساخت فیلم سن‌پترزبورگ اوایل آذر ۸۷ صادر شد تا او و گروه تولید ساخت فیلم را آغاز کنند. پروانه قبلی به نام سامان مقدم بود. نویسنده آن هم محراب و پیمان قاسم‌خانی. اما وقتی قرار شد بهروز افخمی فیلم را کارگردانی کند به غیر از حضور محسن تنابنده حضور پیمان قاسم‌خانی و بهاره رهنما هم جدی شد تا آنها در کنار امین حیایی و اندیشه فولادوند فیلمی را بازی کنند که درباره دو دوست بلوفزن است. اما فیلمبرداری فیلم از اسفند ۸۷ آغاز شد و تا اردیبهشت‌ماه ۸۸ ادامه پیدا کرد. این فیلم فضای کم‌دی دارد. بهروز افخمی نوع طنز قاسم‌خانی را دوست داشته و این تجربه اول او در زمینه کم‌دی است. فیلمبرداری فیلم در تیرماه پایان می‌یابد. هم‌زمان هم تدوین آن انجام می‌شده‌است. اما زمان که می‌گذرد با طولانی شدن مراحل آماده‌سازی فیلم اختلافات آغاز می‌شود.اعتباریان تهیه‌کننده فیلم به علت طولانی بودن زمان فیلمبرداری تدوین اولیه را قبول نمی‌کند و مسوولیت را بر عهده مستانه مهاجر می‌گذارد. همین باعث می‌شود افخمی در دو نامه به خانه سینما خواستار بررسی مسائل آن شود. از آن‌سو نیز اعتباریان گفت به دلیل تاخیر در مراحل مختلف فیلم بالای یک میلیارد برای من هزینه داشت. ایشان- بهروز افخمی- برای فیلمبرداری دو ماه قرارداد داشتند ولی کار را شش‌ماهه تمام کردند. قرار بود «سن‌پترزبورگ» عید فطر سال گذشته اکران شود، اما همان طور که می‌دانید این اتفاق به دلیل آماده نشدن فیلم نیفتاد. اما بعدتر در آخرین جلسه شورای حل اختلاف «خانه سینما» طرفین دعوا پیرامون فیلم «سن‌پترزبورگ» به صلح رسیدند و مقرر شد «حمید اعتباریان» به تعهدات مالی خود عمل کند و از نظر «بهروز افخمی» اکران عمومی این فیلم بلامانع شد. فیلم چند اکران محدود در کانادا داشت که با استقبال فراوان مردم فارسی‌زبان روبه‌رو شد. قرار است این فیلم اکران گسترده‌تری هم در شهر تورنتو داشته باشد؛ شهری که حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار فارسی‌زبان در آن زندگی می‌کنند. این روزها فیلم فارغ از هر موضوع حاشیه‌ای در حال اکران است. در به ثمر رسیدن این فیلم انگار یک نام بیش از همه به یادها خواهد ماند؛ پیمان قاسم‌خانی که هم فیلم را نوشته، هم بازی کرده، هم نماینده کارگردان به سفررفته بوده و سر تدوین دوباره حاضر بوده است و هم این روزها هوای فیلم را دارد. حمید اعتباریان نیز به عنوان تهیه‌کننده به قول خودش این روزها را خیال راحت‌تری می‌خواند. او معتقد است این فیلم انتظارات تماشاگر ایرانی را از سینما بالا می‌برد. به نظر او فیلم از بهترین‌های سینمای ایران است.

فرزند صبح



یکی از فیلم‌های دیگری که بهروز افخمی ساخت آن را آغاز کرده و این روزها تاکید دارد این فیلم دیگر فیلم او نیست فیلمی درباره بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران با نام «فرزند صبح» است. فیلم با نماهایی از لحظات آخر زندگی حضرت امام (ره) بر تخت بیمارستان آغاز می‌شود و بازگشت به گذشته، دوران کودکی و نوجوانی امام خمینی(ره) را روایت می‌کند. فیلم فرزند صبح سفارشی بود که به افخمی داده شد. پنج سال هم طول کشید تا متن فیلمنامه آن را بنویسد. به نظر می‌آید تمام سعی افخمی این بوده که تحت تاثیر سیاست قرار نگیرد. به نظر نویسنده اثر اثر تنها شخصیت سیاسی امام در این فیلم مد نظر قرار نگرفته است. حتی افخمی دو سال صبر کرد تا بازیگر کودکی که نقش کودکی امام را بازی می‌کند، بزرگ شود. اما حالا در این روزها مسائل حاشیه‌ای گریبان فیلم را گرفته است. اختلاف بین تهیه‌کننده‌ها - موسسه عروج‌فیلم و «موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی»(ره)- و هزینه‌هایی که برای فیلم شده است همه از نکاتی است که سبب دلسردی کارگردانی همچون افخمی شده است. در این سال‌های ۸۰ و ۸۱ حدود ۲۰ میلیون خریداری شده است اینک حدود یک میلیارد و نیم قیمت دارد. در عین حال طولانی شدن فیلم سبب شده مساله شکل دیگری به خود بگیرد، هرچند افخمی گفته است حدود دو سال منتظر بودیم تا آقایان تصمیم بگیرند اکنون که از ایران بیرون آمده‌ام آقایان هر کاری دوست دارند انجام می‌دهند. این روزها افخمی تاکید دارد نامش را از روی فیلم بردارد و آن را ساخته خود نمی‌داند. این فیلم از همان انتخاب بازیگران و حضور کسانی همچون هدیه تهرانی و محمدرضا شرفریخا یا واکنش بخشی از گروه‌های مذهبی روبه‌رو شده بود. مسوولان سازنده فیلم اعلام کرده‌اند تاکنون ۳/۵ میلیارد تومان هزینه این فیلم شده و از به سرانجام رسیدنش در آینده نزدیک خبر داده‌اند؛ فیلمی که افخمی علاقه‌ای ندارد نامش بر آن باشد. محمدرضا شرفالدین یکی از تهیه‌کنندگان فیلم گفته است: «تاکنون شجاعانه ایستادیم تا نام افخمی بر این فیلم قرار بگیرد»

ته دنیا

در سفری که برای فیلم «گاوخونی» گروه سازنده فیلم به کن فرانسه داشته‌اند فیلمی دیگر هم ساخته می‌شود. فیلمی به نام ته دنیا؛ فیلمی با بازیگری بهرام رادان. بسیاری معتقدند بهرام رادان پس از آشنایی و حضور در فیلم افخمی تحولی جدی در نحوه بازیگری‌اش کرده است. این فیلم اکنون در چه مرحله‌ای است؟ آن چیزی که به طور قطعی درباره آن گفته می‌شود، این است که حدود ۲۵ درصد راش‌های فیلم از بین رفته‌اند. این فیلم در فرانسه فیلمبرداری شده است.

گاوخونی

روزنامه‌نگارانی که ساعت ۲ بامداد اولین تماشاگران فیلم «گاوخونی» بودند با احساسات متفاوتی فیلم را ارزیابی کردند. کمتر کسی این ریسک را می‌کرد تا ببینند‌های یک فیلم سینمایی را به مهمانی کتابخوانی دعوت کند. اما افخمی آنچنان شیفته‌وار رمان «گاوخونی» جعفر مدرس صادقی را روایت کرده بود که کمتر کسی می‌توانست باور کند. بهرام رادان راوی فیلم بود و به صورت خطی داستان را می‌خوانده؛ داستانی که جملات کاملاً برگرفته از کتاب بود. این یک اقتباس بوده؛ اقتباس مستقیم. اما این تمام فیلم نبود حضور عزت‌الله انتظامی سبب شد دیدن فیلم جذاب‌تر باشد. خواب اولیه راوی مربوط به یک گردش شبانه است در ساحل زاینده‌رود به همراه پدر، گلچین و چند مرد جوان دیگر. در خانه‌ای که راوی در آن سکونت دارد، خیاربار و حمید هم زندگی می‌کنند. اولی در تلاش است تا منظومه طولانی‌اش را به سرانجام برساند و دومی در تدارک ازدواج است. راوی که قصد دارد کابوس‌های دامن‌اش را یادداشت کند اولین چیزی که به ذهنش می‌رسد خاطرات مربوط به پدرش است که هر روز صبح به همراهش برای آب‌آبنی به نقطه‌ای امن در زاینده‌رود می‌رفتند. فیلم ادامه پیدا می‌کند. راوی مدام تاکید می‌کند که اینجا تهران است این فیلم مستقیم‌ترین اقتباس سینمایی در ایران محسوب می‌شود. این تجربه را افخمی در فیلم جدیدش «این خانه من نیست» تکرار خواهد کرد.

سینما

گفت‌وگو با بهروز افخمی

مدیران دولتی نمی‌توانند سینما را استخدام کنند

ادامه از صفحه یک.....

– فیلم به زبان انگلیسی است؟ مساله کپی‌رایت چطور؟

بله. کپی‌رایت را هم خریدیم. متأسفانه نویسنده سه چهار سال بعد از اینکه داستان را نوشته در ۳۶، ۳۷سالگی مرده است.

– غیر از هزینه‌های زیاد، فیلم ساختن در خارج از ایران خیلی سخت‌تر است؟

خیلی هم آسان‌تر است. کسی با شما کاری ندارد. ما در هر کجا که بخواهیم می‌توانیم فیلم بسازیم. در هر خیابانش. احتیاج به هیچ مجوزی هم نیست. فوقش باید رضایت هر کسی را که از جلوی دوربین وارد می‌شود جلب کنیم. فیلمی هم که من می‌سازم هزینه‌هایش اندازه یک فیلم ایرانی است.

– گروه ایرانی هستند یا کانادایی؟

فیلمبردار فرهاد صیابست. بازیگران همه کانادایی هستند.

– این بار هم فیلم یک اقتباس است؟

بله داستان کوتاه «آسمان سیاه شب» نوشته جرمی کین است که به فارسی هم ترجمه شده و در مجموعه‌ای از داستان‌های منتخب با ترجمه خاتم «هژده دقیقه» چاپ شده است. نام مجموعه «اینجا هم آدم‌ها این‌جوری‌اند» است.

– با همان فضا می‌خواهید فیلم را بسازید؟

این داستان را حدود ۱۵، ۱۰ سال پیش خواندم و همان موقع فکر کردم آن را برای فضای ایران اقتباس کنم و با عزت‌الله انتظامی بسازم اما اقتباس خوبی از آب درنیامد. روابط و مناسبات آدم‌ها با فرهنگ ما جور درنی می‌آمد. اتفاقاً همان وقت‌ها عزت‌الله انتظامی هم یک ناراحتی مخصر قلبی پیدا کرد. من این را بهانه کردم و فکر ساختن فیلم را کنار گذاشتم. آن وقت‌ها که قرار بود فیلم در ایران ساخته شود می‌خواستیم نامش را «فراموشخانه» بگذاریم. می‌توانستید برای بازیگر نقش اول کسی را پیدا کنید؟

در کمال ناامیدی؛ یک بازیگر کانادایی ۸۶ساله به نام «هرک تید». اینقدر ناامید بودم که می‌ترسیدم توانم بازیگر مناسبی پیدا کنم. سناریو را شکل دیگری نوشته بودم به طوری که قهرمان فیلم دیده نشود و دوربین جای بازیگر نقش اول بازی کند. بعد که دیدیم یک پیرمرد فوق‌العاده پیدا شد نقش را تغییر دادیم.

– اما الان که دوباره به سراغ داستان رفتید، چطور؟

داریم همان داستان اصلی را می‌سازیم.

– به همان تلخی؟

شاید هم یک کم‌دی سیاه باشد چون در بعضی صحنه‌ها خنده‌دار می‌شود. به هر حال این یک اقتباس خیلی وفادار است و ۹۰ درصد دیالوگ فیلم مستقیماً از داستان «جرمی کین» می‌آید. – مثل تجربه‌ای که در گاوخونی داشتید؟

آن هم یک اقتباس خیلی وفادار بود. – چرا می‌خواهید اینقدر به داستان وفادار باشید؟

داستان خوب، چیز خوبی است یعنی وقتی آدم به یک داستان درست و حسابی برمی‌خورد و فکر می‌کند که این داستان را برای سینما و برای تماشاگران سینما بسازد بهتر است خود را نابغه به حساب نیاورد و مواظب باشد کار نویسنده را خراب نکند. یک داستان خوب مثل یک موجود زنده است که همه اعضا و اجزایش با هم جور درمی‌آید و یک کلیت را تشکیل می‌دهد. بنابراین نباید دادن داستان می‌تواند مهم‌تر از دست رفتن تمایت آن و لحنی شود که باعث موفقیت آن شده است.

– این تصمیم را شما در حالی می‌گیرید که بسیاری از کارگردانان دوست دارند تنها نوشته‌های خود را بسازند.

نه این طور نیست. خیلی از کارگردان‌های خوب کسانی هستند که بلدند داستان را به فیلم درآورند و خوب پرداخت کنند. اما هیچ وقت نمی‌توانند یک داستان‌اصیل(رئیتال) بنویسند.

– آنقدر داستان خوب هست که دیگر کمتر فیلمنامه‌ای نوشته شود؟

اگر آدم ذوق نویسندگی داشته باشد و توانایی به وجود آمدن داستان خوب را در خود احساس کند باید حتماً این کار را بکند و داستانی از نوشته‌های خود را تبدیل به فیلم کند. اما این کار زورگیری نیست یعنی فیلمسازی که اصرار دارد داستان خودش را بنویسد چ‌سون می‌خواهد مالک آن و اجزایش باشد ممکن است فیلم بدی بسازد. من هر وقت احساس کنم ایده جذابی برای نوشتن یک فیلمنامه غیراقتباسی دارم حتماً این کار را می‌کنم. اما در مورد خودم باید بگویم همیشه احساس کرده‌ام قصه‌هایی را که شنیده‌ام یا خوانده‌ام بدم به خوبی به فیلم تبدیل کنم یعنی می‌دانسم که چطور باید پرداخت شود و چه نکته‌هایی در نظر گرفته شود تا آن قصه به خوبی به فیلم دربیاید.

– خودتان را برتر از نویسنده می‌دانید؟

به هیچ‌وجه خودم را بالاتر از نویسنده‌ای نمی‌دانم که داستان را از هیچ به وجود آورده است. اگر دارم داستانی را اقتباس می‌کنم همیشه فکر می‌کنم کار اصلی را نویسنده داستان کرده است و من دارم قصه او را بازخوانی می‌کنم و از طریق سینما دوباره تعریف می‌کنم.

– منظورم این است که خیلی از کسانی که فیلم می‌سازند به دنبال عقیده، ایدئولوژی یا نظری هستند که می‌خواهند از طریق آن با مخاطب خود در ارتباط باشند. ولی هنگامی که داستانی را که از دیگری است انتخاب می‌کنند دیگر هیچ ایدئولوژی و آرمانی که مال آنها باشد در فیلم نیست.

سال پنجم ■ شماره ۱۰۸۸ ■ یکشنبه ۲۵ مهر ۱۳۸۹

شرق



عکس: گلران سعادتیان

فیلمی است که صدايش از تصوير مهم‌تر است. یعنی ما در تمام این سال‌ها داشتیم مقدمات تصویری کاری را آماده می‌کردیم که باید در مرحله دوبلاژ، موسیقی و صداگذاری تازه ساخته می‌شد و درست از آب درمی‌آمد. این مرحله را هرکس که انجام داده خودش هم باید مسوولیت کارگردانی فیلم را بر عهده بگیرد.

– شما به عنوان یک سینماگر به مجلس رفتید یعنی یک کار سیاسی انجام دادید. از آن دوران یادگاری برای سینما آورده‌اید؟ قبلاً هم گفته‌ام مهم‌ترین کار ما این بود که در کمیسیون فرهنگی جلوی نوشتن قانون میزیم سینما را گرفتیم. نوشته شدن قانون سینما، میزیم را قانونی می‌کرد و می‌توانستیم به آن می‌داد. ما جلوی این را گرفتیم. فکر می‌کنم اگر قانونی برای ممیزی تصویب شود خیلی مشکل بشود جلوی آن را گرفت. هر قانونی در این زمینه برای سختگیری بیشتر و سخت کردن اوضاع است. از نظر من هر کسی قانون تصویب کنیم در جهت سختگیری بیشتر است. – شاید اگر قانونی باشد بهتر بتوان مسائل را حل کرد. خیلی ساده نمی‌توان چیزی را گرفت یا داد.

الان همه چیز دلخواهی و مطابق سلیقه است. – حتی اگر توسط نهادهای صنفی قانونی ارائه شود؟ بله چون به ترتیب بر جزئیات و اجزای سختگیرانه آن اضافه می‌شود. اول در کمیسیون فرهنگی، بعد در صحن مجلس. همین‌طور سختگیرانه‌تر می‌شود تا تصویب شود. بعد همه دیگر نمی‌توان آن را لغو کرد یا از بین برد.

– اما اگر دست نهادهای صنفی باشد چطور؟ فرقی دارد که انجمن‌های صنفی با هم قرار بگذارند. مثلاً چه فیلمی برای چه‌ها ضرر دارد یا چه صحنه‌هایی نباید باشد یعنی یک ضوابط ممیزی در بین خودشان بگذارند. انجمن‌های صنفی به دلیل احاطه‌ای که به مسائل سینما دارند تصمیم منفعل‌تری می‌گیرند. قدرت دولت هم پشتیبان‌شان نیست مثلاً نمی‌توانند یک فیلمساز را برای همیشه محروم کنند و هر وقت هم بخواهند، می‌توانند ضوابطی که نوشته‌اند تغییر دهند. اما قانونی که از تصویب مجلس گذشت به این آسانی تغییر نمی‌کند.

– به ایران هم برمی‌گردید؟

الان همه چیز دلخواهی و مطابق سلیقه است. – حتی اگر توسط نهادهای صنفی قانونی ارائه شود؟

بله چون به ترتیب بر جزئیات و اجزای سختگیرانه آن اضافه می‌شود. اول در کمیسیون فرهنگی، بعد در صحن مجلس. همین‌طور سختگیرانه‌تر می‌شود تا تصویب شود. بعد همه دیگر نمی‌توان آن را لغو کرد یا از بین برد.

– اما اگر دست نهادهای صنفی باشد چطور؟ فرقی دارد که انجمن‌های صنفی با هم قرار بگذارند. مثلاً چه فیلمی برای چه‌ها ضرر دارد یا چه صحنه‌هایی نباید باشد یعنی یک ضوابط ممیزی در بین خودشان بگذارند. انجمن‌های صنفی به دلیل احاطه‌ای که به مسائل سینما دارند تصمیم منفعل‌تری می‌گیرند. قدرت دولت هم پشتیبان‌شان نیست مثلاً نمی‌توانند یک فیلمساز را برای همیشه محروم کنند و هر وقت هم بخواهند، می‌توانند ضوابطی که نوشته‌اند تغییر دهند. اما قانونی که از تصویب مجلس گذشت به این آسانی تغییر نمی‌کند.

– به ایران هم برمی‌گردید؟

الان همه چیز دلخواهی و مطابق سلیقه است. – حتی اگر توسط نهادهای صنفی قانونی ارائه شود؟ بله چون به ترتیب بر جزئیات و اجزای سختگیرانه آن اضافه می‌شود. اول در کمیسیون فرهنگی، بعد در صحن مجلس. همین‌طور سختگیرانه‌تر می‌شود تا تصویب شود. بعد همه دیگر نمی‌توان آن را لغو کرد یا از بین برد.

– اما اگر دست نهادهای صنفی باشد چطور؟ فرقی دارد که انجمن‌های صنفی با هم قرار بگذارند. مثلاً چه فیلمی برای چه‌ها ضرر دارد یا چه صحنه‌هایی نباید باشد یعنی یک ضوابط ممیزی در بین خودشان بگذارند. انجمن‌های صنفی به دلیل احاطه‌ای که به مسائل سینما دارند تصمیم منفعل‌تری می‌گیرند. قدرت دولت هم پشتیبان‌شان نیست مثلاً نمی‌توانند یک فیلمساز را برای همیشه محروم کنند و هر وقت هم بخواهند، می‌توانند ضوابطی که نوشته‌اند تغییر دهند. اما قانونی که از تصویب مجلس گذشت به این آسانی تغییر نمی‌کند.

– به ایران هم برمی‌گردید؟

الان همه چیز دلخواهی و مطابق سلیقه است. – حتی اگر توسط نهادهای صنفی قانونی ارائه شود؟

بله چون به ترتیب بر جزئیات و اجزای سختگیرانه آن اضافه می‌شود. اول در کمیسیون فرهنگی، بعد در صحن مجلس. همین‌طور سختگیرانه‌تر می‌شود تا تصویب شود. بعد همه دیگر نمی‌توان آن را لغو کرد یا از بین برد.

– اما اگر دست نهادهای صنفی باشد چطور؟ فرقی دارد که انجمن‌های صنفی با هم قرار بگذارند. مثلاً چه فیلمی برای چه‌ها ضرر دارد یا چه صحنه‌هایی نباید باشد یعنی یک ضوابط ممیزی در بین خودشان بگذارند. انجمن‌های صنفی به دلیل احاطه‌ای که به مسائل سینما دارند تصمیم منفعل‌تری می‌گیرند. قدرت دولت هم پشتیبان‌شان نیست مثلاً نمی‌توانند یک فیلمساز را برای همیشه محروم کنند و هر وقت هم بخواهند، می‌توانند ضوابطی که نوشته‌اند تغییر دهند. اما قانونی که از تصویب مجلس گذشت به این آسانی تغییر نمی‌کند.

– به ایران هم برمی‌گردید؟

الان همه چیز دلخواهی و مطابق سلیقه است. – حتی اگر توسط نهادهای صنفی قانونی ارائه شود؟

را بالاتر از سیاست می‌دانستم و اینها را با هم قاطی نمی‌کردم.

– چون اصلاح‌طلب‌ها شکست خورده‌اند، این طور فکر می‌کنید؟

شکست و پیروزی در جریان این تحولات اجتماعی و سیاسی به این زودی‌ها معلوم نمی‌شود. یک ملت دارد تجربه پیچیده جدال با خویشستن و جهان را از سر می‌گذراند و باید هم این دوره‌ها و فراز و فرودها را طی کند. نتایج ساده‌لوحانه مثل اینکه کی شکست خورده یا پیروز شده مثل این است که این تحولات را با بازی فوتبال اشتباه گرفته باشیم. – پس چرا حتی وقتی قرار است فیلم تبلیغاتی انتخابانی ساخته شود باز هم سراغ شما می‌آیند که خود را یک فیلمساز داستانگو می‌دانید؟

خب من ممکن است بلد باشم وپولن هم بزنم (البته بلد نیستم) اما در تلویزیون کار کرده‌ام، فیلم مستند هم زیاد ساختم و اگر بنا باشد تبلیغات را طراحی کنم ظاهراً کارم بد از آب درنی‌آید. اما می‌گویم می‌خواهیم برای سینما یا هر فعالیت هنری قانون تصویب کنیم در جهت سختگیری بیشتر است. – شاید اگر قانونی باشد بهتر بتوان مسائل را حل کرد. خیلی ساده نمی‌توان چیزی را گرفت یا داد.

– ولی شما درباره یکی از سیاسی‌ترین و مهم‌ترین شخصیت‌های ایران فیلم ساخته‌اید؛ فیلم فرزند صبح.

کمترین جنبه وجودی امام جنبه سیاسی او بود. خودشان در جایی نوشته بود: «در این ایام پایان عمر گرفتار استدراج شده‌ام» و منظورش از «استدراج» هم نمی‌تواند چیزی جز مشغولیت به فعالیت‌های سیاسی و حکومتی باشد. من درباره شخصیتی فیلم ساختم که عظمت و بزرگی واقعی‌اش در عرصه سیاست ظاهر نشد و برای اغلب مردم ناشناخته ماند. البته این فیلمی که الان آماده می‌شود فیلم من نیست و فیلم من هم احتمالاً هیچ وقت دیده نخواهد شد.

– چرا؟

دو سال بعد از اینکه فیلمبرداری را تمام کردیم منتظر شدیم که پول بدهند تا کارهای بعد از تولید انجام شود. در این دو سال تدوین فیلم در دفتر من و با کمک «سیف‌الله داد» بدون هیچ هزینه‌ای انجام شد. به محض اینکه از ایران رفتم فیلم را برداشتم و دوباره تدوین کردند، دوبله کردند، صداگذاری کردند و برایش موسیقی ساختند. «فرزند صبح»

